

## سالمند شناسی از منظر تعامل بین سالمندی و بزه دیدگی؛ با تأملی بر تجربه تحقیق میدانی در انگلستان

امیر سماواتی پیروز

### چکیده

نگارنده در این مطالعه می‌کوشد تا از رهگذر تأکید بر ضرورت انجام مطالعه‌ای میان رشته‌ای که بازتاب آن را می‌توان در برقراری تعامل بین رهیافت‌های سالمند شناسی و آموزه‌های بزه‌دیده شناسی شاهد بود، اهمیت تخصصی کردن نگرش به ساز و کارهای حمایتی و مساعدتی برای سالمندان بزه‌دیده را تبیین نماید. بدین سان، بررسی مؤلفه‌های ترس از جرم و اینکه تا چه اندازه سالمندان در معرض خطر تجربه نمودن بزه‌دیدگی در اثنای دوره سالمندی می‌باشند، ما را به سمت تدارک تمهیدات لازم در راستای حمایت کیفری ویژه از آنان رهنمون می‌گردد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش رقم سیاه جرایم علیه سالمندان به حسب تقلیل امکان گزارش‌دهی این جرایم و فقدان رؤیت پذیری آنها، ضرورت تفکیک میزان بزه دیدگی سالمندان به حسب گونه‌شناسی جرایم ارتكابی علیه آنان که ما را به سمت طبقه‌بندی بزه دیدگی به تناسب نوع جرم، علل و عوامل بزه‌دیدگی و میزان ترس از جرم سالمندان رهنمون می‌گردد، شاخص‌هایی که بزه‌دیدگی سالمندان در پرتو آنها تبیین می‌گردد و آنان را در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار می‌دهد.

این واقعیتی غیرقابل انکار است که حاشیه نشینی و نقش انفعالی سالمندان در جامعه، تجربه سالمندان از گسست شبکه‌های اجتماعی، افول توانمندی مالی که

سالمندان به تبع ورود به مرحله بازنشستگی، مواجه شدن با هویت‌های فرهنگی نا‌مأنوس با آنچه که سالمندان در گذشته تجربه نموده‌اند، سرنوشتی محتوم را برای آنان که همانا رو به رو شدن با پیامدهای زیانبار آماج جرم قرار گرفتن می‌باشد، رقم خواهد زد. در مجموع با اتخاذ نگرشی جامع به مسئله سالمندی و بزه‌دیدگی، انتظار می‌رود که با تلفیق این دو حوزه مطالعاتی، گونه‌های تدابیر پیشگیرانه و حمایتی برای سالمندان مورد بازاندیشی قرار گرفته تا از این رهگذر در نظام عدالت کیفری نیز سالمندان از منزلتی که شایسته آنان می‌باشد، بهره‌مند گردند.

**واژگان کلیدی:** سالمندی؛ بزه‌دیدگی؛ ترس از جرم؛ بزه‌دیده‌شناسی حمایتی؛ آسیب‌پذیری.

## مقدمه

جرم جنگی بین طیف‌های سنی تصور می‌شود؛ به طوری که بزهکاران جوان، افراد سالمند و بی‌گناه را به عنوان آماج جرم خود انتخاب می‌کنند و سالمندان، بزه دیده جرائم جوانان هستند. چنین تصوراتی درباره سالمندان و بزه‌دیدگی آنان امری معمول است. سالمندان عمدتاً در تحقیق‌های دانشگاهی به عنوان گونه‌ای بارز از جمعیت بزه‌دیدگان مطرح می‌شوند. به بیان دیگر، سالمندان را گروهی تعریف می‌کنند که دارای یک ویژگی کلیشه‌ای هستند که همانا عبارتست از آسیب پذیری آنان نسبت به بزه‌دیده واقع شدن و اینکه این طیف از افراد جامعه توان مقابله با وقوع جرم را از نظر جسمی و روانی ندارند. نگارنده در این نوشتار تلاش می‌کند تا چنین رویکرد کلیشه‌ای به مقوله سالمندی و بزه‌دیدگی را به چالش کشیده و نگرشی نوین را در خصوص این مسئله تبیین نماید. مسأله محوری این است که اساساً جمع بین بزه‌دیدگی و سالمندی تا چه اندازه قابل توجیه است و آیا به موازات قرار گرفتن فرد در طبقه سالمندان میزان ترس از جرم در وی نیز افزایش یافته و بدین ترتیب به احتمال بیشتری بزه‌دیده واقع می‌گردد یا خیر. باید اذعان نمود که به این مسأله که آیا مناسب است چنین طبقه سنی در تحقیق‌های مربوط به بزه‌دیدگی مورد بررسی قرار گیرد کمتر توجه شده است. در این نوشتار نگارنده بر آن است تا از منظر چندین فرضیه، تحلیلی را در خصوص تجربه بزه‌دیدگی در سالمندان و ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن ارائه نماید که این فرضیه‌ها عبارتند از:

- ۱- بین سالمندی و بزه‌دیدگی هیچ گونه رابطه‌ای نیست. بدین معنی که هیچ تفاوتی در تجربه بزه‌دیدگی برحسب سن وجود ندارد.
- ۲- از نظر تجربه بزه‌دیدگی برحسب سالمندی، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود ولی

این تفاوتها باید همراه با سایر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و با امعان نظر به سبک زندگی سالمندان تبیین شود.

۳- جنبه‌هایی از بزه‌دیدگی وجود دارد که ساختار آنها برحسب روابط سنی مشخص می‌شود و بازتاب وضعیت اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی متخذه در قبال سالمندان است.

بدین سان، سالمندی و برقراری رابطه مستقیم بین این طبقه سنی و بزه‌دیدگی آنان محل تردید جدی قرار می‌گیرد و اینکه در حوزه بزه‌دیده شناختی و تلفیق آن با مطالعات سالمند شناسی توجه به سالمندی به عنوان یک مؤلفه سنی منحصر به فرد در افزایش احتمال بزه‌دیدگی فرد سالمند باید مورد بازنگری جدی قرار گیرد.

یافته‌های این مطالعه را می‌توان در چند دسته کلی که تفصیلاً مورد بحث قرار گرفته است احصاء نمود. نخست آنکه عدم قابلیت رؤیت پذیری و بالتبع آن فقدان ساز و کارها و تمهیدات لازم که برای فراهم ساختن امکان اعلام و گزارش دهی جرائم ارتكابی علیه سالمندان باید تدارک دیده شود منجر به افزایش رقم سیاه این طیف از جرائم علیه سالمندان گردیده است که جلوه بارز این معضل را می‌توان در حیطه جرائم نهادی یا سازمانی که در بستر موسسات مراقبت و نگهداری از سالمندان یا در گستره خانواده علیه فرد سالمند ارتكاب می‌یابند ملاحظه کرد. دوم آنکه بررسی عللی و عواملی که موجبات بزه دیده واقع شدن سالمند را فراهم می‌نماید نشانگر این مطلب حایز اهمیت است که بر خلاف دیدگاه سنتی که در این خصوص براساس پیش فرض‌هایی مطلق و یک سویه وجود داشته، امروزه دیگر نمی‌توان جرائم علیه فرد سالمند ارتكاب می‌یابند ملاحظه کرد. دوم آنکه بررسی علل و عواملی که موجبات بزه دیده واقع شدن سالمند را فراهم می‌نماید نشانگر این مطلب حایز اهمیت است که برخلاف دیدگاه

سنتی که در این خصوص براساس پیش فرض‌هایی مطلق و یک سویه وجود داشته، امروزه دیگر نمی‌توان جرائم علیه سالمندان را صرفاً بازتاب کهولت سنی و آسیب پذیری ناشی از آن به شمار آورد. چه بسا، برآیند شاخص‌های جنسیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در گستره تعامل رهیافت‌های دانش بزه دیده شناسی و سالمند شناسی است که آسیب‌پذیری سالمند را در قالب بزه‌دیدگی وی و پیامدهای وخیم آن برای وی تبیین می‌نماید. بدین سان به نظر می‌رسد بزه‌دیدگی سالمندان پدیده‌ای چند بعدی است که در آن کهولت سن صرفاً به موازات سایر مولفه‌ها و در راستای برهم کنش آنها می‌تواند در آماج جرم قرار گرفتن آنان ایفای نقش کند. سوم آنکه، شاخه بزه دیده شناسی حمایتی با بهره‌گیری از رهیافت‌های سالمند شناسی و در پرتو مطالعه‌ای میان رشته‌ای گواه این حقیقت غیر قابل انکار است که سالمندان به عنوان بزه دیدگان خاموش یا ساکت به سبب آسیب‌پذیری پیامدها و عواقب شدیدتری را در مقایسه با سایر گروه‌های سنی متعاقب وقوع جرم بر علیه خود متحمل می‌گردند و این تجربه ناگوار بزه‌دیدگی اقتضا می‌نماید که با شناخت نوع و گستره جرائم علیه سالمندان، نظام حقوقی و عدالت کیفری نیز حمایت‌ها و مساعدت‌های بایسته‌ای را از این طیف آسیب‌پذیر بعمل آورد. چهارم آنکه، میزان ترس از جرم در سالمندان و ضریب امنیت روانی آنان در مورد احتمال جرم آماج قرار گرفتن از سوی مجرمین عمدتاً مرتبط با پیش فرض‌های نادرستی است که در ذهن سالمند به اقتضا ورود وی به مقطع خاصی از زندگی توأم با کهولت سنی و احساس ضعف ناشی از آن به طور ناخودآگاه ایجاد شده است. مناسبات اجتماعی جرم‌زا و استلزامات ناشی از فعالیت‌ها و مشارکت‌های اجتماعی با ظهور محدودیت‌هایی برای سالمندان به سبب حاشیه‌نشینی و نقش انفعالی آنان، از جمله مؤلفه‌هایی بوده که عمدتاً مبنای یافته‌های موجود را در

خصوص در معرض خطر بزه دیدگی بودن سالمندان تشکیل می‌دهد. حال آنکه، واقعیات اجتماعی و آموزه‌های نوین بزه دیده شناختی و سالمند شناسی مویدی بر نادرستی این فرضیه مطلق است که صرف سالمندی موجب افزایش ترس از جرم و یا تشدید احتمال بزه دیدگی مجدد سالمندان می‌گردد و چه بسا باید تأکید نمود که در مقایسه با جوانان که مشارکت جامعی بیشتری دارند، موقعیتهای جرم‌زا برای سالمندانی که در معرض خطر بزه دیدگی قرار می‌گیرند به مراتب ضعیف‌تر و کمتر است.

بدین سان این مطالعه بر آن بوده تا با ایجاد تردید در برخی فرضیه‌های سنتی و مطلق راجع به مقوله بزه دیدگی سالمندان یافته‌هایی را از رهگذر به چالش کشیدن این فرضیه‌ها ارائه و تبیین نماید که حاکی از تولد بارقه‌های نوینی در حوزه سالمند شناسی از منظر بزه دیدگی و جرائم علیه سالمندان و پیامدهای ناشی از این جرائم برای سالمندان است.

### ۱. سالمندان در معرض خطر بزه‌دیدگی و علل آن

آمارهای رسمی در مورد جرائم ثبت شده و داده‌های تحقیق‌های میدانی در مورد جرم که عموماً برحسب طبقه سنی تهیه شده‌اند، مجموعه‌ای از داده‌های کمی را در مورد نرخ بزه‌دیدگی سالمندان فراهم آورده‌اند. بنابراین برخی از اطلاعات آماری به منظور بررسی این مسأله مورد استفاده قرار می‌گیرند که آیا افراد سالمند هنگامی که بزه‌دیدگی را تجربه می‌کنند به عنوان گونه‌ای خاص تلقی می‌شوند یا خیر. چنانچه پاسخ مثبت باشد، انتظار می‌رود که هنگام مقایسه سالمندان با جوانان، عوامل مؤثر بر بزه‌دیدگی سالمندان از نظر نرخ بزه‌دیدگی آنان؛ از جمله، طبقه اجتماعی، جنس، محل اقامت یا وضعیت اقتصادی، دارای تفاوت چشمگیری باشد

به طوری که از رهگذر بررسی چنین عواملی بتوان گفت که علل بزه‌دیدگی سالمندان به سبب جرائم خاصی است که به دلیل کهولت سن، علیه آنان ارتکاب می‌یابد.

نخست با توجه به داده‌های تحقیق میدان صورت گرفته در کشور انگلستان در سال ۱۹۹۸، اینگونه استنباط می‌گردد که افراد سالمند لزوماً در بسیاری از موارد بزه‌دیدگی، در معرض خطر بیشتری قرار ندارند. در واقع، در بسیاری از موارد، میزان خطر بزه‌دیدگی در سالمندان در مقایسه با خطری که جوانان را تهدید می‌کند، پایین تر است. نمودار ۴-۱ که مبتنی بر داده‌های تحقیق میدانی در انگلستان است، نشان دهنده این مسئله می‌باشد که احتمال بزه‌دیدگی ناشی از ورود غیرمجاز به منازل یا اماکن به قصد ارتکاب جرم در افراد بین ۱۶-۲۴ سال در مقایسه با افراد بالا ۶۵ سال، چهار برابر بیشتر است و در مورد بزه‌دیدگی ناشی از جرم سرقت وسایل نقلیه، این احتمال سه برابر بیشتر می‌باشد. آمارهای رسمی جرم که در انگلستان تهیه شده و مبتنی بر وقایع مجرمانه ثبت شده توسط پلیس انگلستان است، تصویر مشابهی را نشان می‌دهد؛ بدین معنی که افراد بالاتر از ۶۰ سال تنها دو درصد از بزه‌دیدگان جرم خشونت علیه اشخاص، یک درصد از بزه‌دیدگان زنای به عنف و بیست و سه درصد از زنان بزه‌دیده و هفت درصد از مردان بزه‌دیده را به خود اختصاص می‌دهند.<sup>۱</sup> بسیاری از این تفاوتها به دلیل عوامل مربوط به سبک زندگی است. افراد سالمند بیشتر وقتها تمایل کمتری به خروج از منزل دارند؛ بنابراین، کمتر در معرض خطر جرم ورود غیرمجاز به منزل یا جرائم خیابانی یا سرقت اتومبیل هستند. همچنین سالمندان به احتمال کمتر در مکان‌های خطرناک از قبیل کافه‌ها و کلوپ‌ها حضور پیدا می‌کنند یا به احتمال کمتر مبادرت به رفتارهای مخاطره‌آمیزی از قبیل نوشیدن افراطی مشروبات الکلی

می‌کنند، که احتمال بزه‌دیدگی ناشی از آنها، در جوانان بیشتر است. توجه به این مسئله حایز اهمیت است که شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی از قبیل محل اقامت، جنس، درآمد، خطری نسبی را از لحاظ بزه‌دیدگی سالمندان ایجاد می‌کند. بسیاری از شاخص‌ها با میزان بالای خطر بزه‌دیدگی که سالمندان را تهدید می‌کند، همپوشانی دارد. وانگهی هنگامی که میزان خطر بزه‌دیده واقع شدن سالمند برحسب طبقه‌بندی محله‌های مسکونی تغییر می‌یابد، تأثیر محل اقامت در نرخ بزه‌دیدگی سالمندان آشکار می‌شود (نمودار ۴-۱).

جدول ۴-۱- نسبت خانوارهایی که بزه‌دیدگی را تجربه کرده‌اند، براساس سرپرست خانوار

بزه‌دیدگانی که یکبار یا بیشتر بزه‌دیدگی را تجربه کرده‌اند (برحسب درصد)

سن سرپرست خانوار	ورود به اماکن یا منزل به قصد ارتکاب جرم	سرقت‌های مرتبط با وسایل نقلیه	خشونت (مردان)	خشونت (زنان)
۱۶-۲۴	۱۵/۲	۲۱/۰	۲۰/۹	۸/۸
۲۵-۴۴	۶/۵	۱۹/۷	۷/۰	۴/۶
۴۵-۶۴	۴/۸	۱۵/۲	۳/۰	۲/۰
۶۵-۷۴	۳/۵	۷/۸	۰/۲	۰/۸
+۷۵	۴/۱	۵/۵	۱/۰	۰/۲

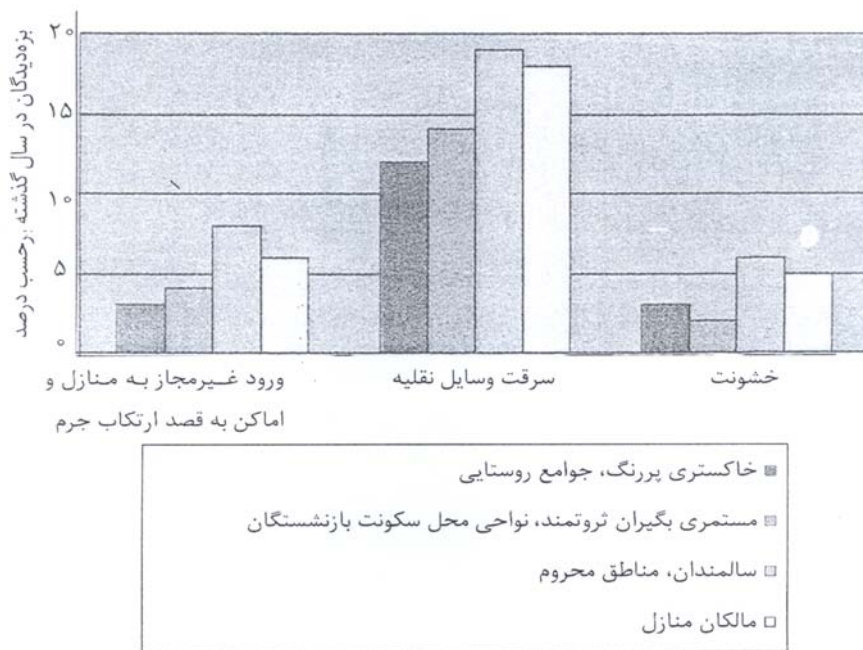
سالمند شناسی از منظر تعامل بین سالمندی و بزه‌دیدگی

۱- ارقام مربوط به خشونت ناظر به نسبت بزرگسالان است تا خانوارها

منبع: تحقیق میدانی جرم در انگلستان ۱۹۹۸



سالمندانی که در نواحی شهری محروم زندگی می‌کنند در مقایسه با میانگین آنان در کل کشور انگلستان در معرض خطر بزه‌دیدگی بالاتری قرار دارند. همچنین از نقطه نظر وضعیت اقتصادی، خطر بزه‌دیدگی این اشخاص در مقایسه با سالمندان دارای تمکن مالی که در نواحی روستایی زندگی می‌کنند، دو برابر بیشتر است.<sup>۲</sup> اگر اعمال حقوق نماد شهروندی کامل محسوب می‌شود، بسیاری از سالمندان شهروندان درجه یک نیستند. این مسئله در هیچ‌کجا به اندازه حوزه بزه‌دیدگی سالمندان به چشم نمی‌خورد.<sup>۳</sup>



نمودار ۴-۱- نرخ متفاوت بزه‌دیدگی بین سالمندان بر حسب طبقه‌بندی محله‌های مسکونی بر طبق شاخص‌های جمعیت شناختی، محیطی و اقامتی  
منبع اقتباس: تحقیق میدانی جرم در انگلستان (۱۹۹۸)

## ۲. بزه‌دیدگی سالمندان از نظرگاه گونه‌شناسی جرائم

به نظر می‌رسد که هر چند جرائمی از قبیل ورود غیرمجاز به منازل و اماکن به قصد ارتکاب جرم و یا سرقت اتومبیل، بیشتر وقت‌ها جوانان را متأثر می‌سازد، با این حال تجربه بزه‌دیدگی ناشی از چنین جرائمی برحسب روابط سنی ایجاد نمی‌شود. به بیان دیگر، چنین جرائمی معمولاً به دلیل سالمندی فرد علیه وی ارتکاب نمی‌یابند. وانگهی، نمونه‌ای از جرائمی که به اقتضای مسن‌تر بودن فرد واقع می‌شوند جرم خشونت و آزار و اذیت نسبت به سالمندان است. لذا در این قسمت اشکال خاصی از سوء استفاده که در آنها سالمندان آماج جرم قرار می‌گیرند را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نخستین نمونه، تجربه مورد آزار و اذیت قرار گرفتن سالمندان در مکان‌های عمومی در برخی نواحی محلی است که از آن تحت عنوان «آزار و اذیت اجتماعی<sup>۴</sup>» یاد می‌شود. این مشکلی رو به رشد است که به موجب آن سالمندان در مناسبات اجتماعی و تعاملات زندگی روزمره خود، آماج آزار و اذیت قرار گرفته و بزه‌دیده واقع می‌شوند. آزار و اذیت سالمندان ممکن است شامل سنگ‌اندازی، استهزاء کردن، ایجاد مزاحمت و امثال آن باشد و چه بسا ممکن است حتی در بردارنده اعمالی باشد که وصف مجرمانه پرننگ‌تری را دارا باشند از قبیل مورد ضرب و شتم قرار دادن فرد سالمند، اخاذی، کیف‌زنی یا جیب‌بری که عمدتاً متعاقب حصول اطمینان مجرم از این موضوع می‌باشد که فرد سالمند به سبب آسیب‌پذیری و سالمندی خود نمی‌تواند به طور شایسته‌ای از خود در برابر وقوع این گونه جرائم دفاع کند. دومین نمونه، مورد سوء استفاده قرار گرفتن سالمندان در مکان‌های خصوصی است. این مورد ناظر به سوءاستفاده‌های جسمی، جنسی، روانی و مالی از سالمندان است که در چارچوب خانگی واقع می‌شود.<sup>۵</sup> با آنکه بیشتر وقت‌ها، مورد سوء استفاده قرار گرفتن

سالمندان مسئله‌ای ناظر به خدمات رفاهی اجتماعی و پزشکی تلقی می‌شود تا مسئله‌ای ناظر به عدالت کیفری، با این حال این مسئله باعث می‌شود که اذعان نماییم که گریزی نیست که دانش بزه‌دیده شناسی از رهگذر بهره‌گیری از رهیافت‌های سالمندشناسی در پرتو مطالعه‌ای میان رشته‌ای بتواند تحلیلی جامع را در این خصوص ارائه دهد. مورد سوء استفاده قرار گرفتن نه تنها جرمی در مورد گروه سنی خاصی است که به سبب مسن‌تر بودن دارای وضعیتی می‌باشند که بزهکار را در آستانه ارتکاب جرم علیه خود قرار می‌دهند بلکه خطر قابل ملاحظه‌ای را نیز از حیث بزه‌دیدگی مجدد برای سالمندان ایجاد می‌کند. این مسئله بویژه حایز اهمیت بیشتری می‌گردد که جرایم مربوط به سالمندی در افراد جامعه، با جرایمی مقایسه می‌شود که ارتباطی به گروه سنی خاصی نداشته و عمدتاً در بزه‌دیده شناسی مورد توجه قرار می‌گیرند.

مورد سوء استفاده قرار گرفتن سالمندان از منظر روابط قدرت و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آسیب‌پذیر سالمندانی که در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند، تبیین می‌شود. ماهیت فضاهای خانگی که در آنها سالمند در کنار سایر اعضای خانواده - که عمدتاً جوان هستند - زندگی می‌کند و مؤسسه‌های مراقبتی و نگهداری سالمندان، گاه شرایطی را فراهم می‌کند که در آن سالمندان فقدان قدرت را تجربه می‌کنند به طوری که آنان ممکن است به مراقبت کنندگان جوان‌تر که دارای موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری هستند وابسته بوده و لذا در قبال سوء استفاده‌ها و یا آزار و اذیت‌هایی که از سوی آنان بر علیه فرد سالمند ارتکاب می‌یابد، نتوانند واکنشی نشان دهند.<sup>۶</sup> این احساس وابستگی در سالمندان بویژه نسبت به مراقبت کنندگان از آنها باعث می‌شود که از سالمندان به عنوان «بزه‌دیدگان خاموش یا ساکت» یاد شود. چرا که سالمند ترجیح می‌دهد حتی

رفتارهای توهین آمیز را تحمل نماید تا اینکه بخواهد از رهگذر طرح شکایت علیه چنین افرادی همان حداقل حمایتی را نیز که از آن برخوردار می باشد را از دست بدهد. بنابراین با عدم گزارش دهی این گونه جرایم نهادی یا سازمانی که در درون مؤسسات نگهداری سالمندان و یا حتی درون خانواده ها علیه فرد سالمند رخ می دهد، چنین سوء استفاده هایی به طور عمده غیرقابل کنترل و بدون مجازات باقی می ماند. بدین سان، جرایم علیه سالمندان به طور عمده در محیط های خصوصی از قبیل نهادها یا سازمان های مراقب سالمندان مانند پانسیون ها یا آسایشگاه ها واقع می شود و به طور مستقیم امکان رؤیت پذیری این جرایم کم است. کاهش رؤیت پذیری جرایم ارتكابی علیه سالمندان مانند سوء استفاده ها یا خشونت ها باعث شده تا این طیف از جرایم در زمره رقم سیاه بزهکاری قرار گیرد بدین معنا که به ندرت گزارش داده شده و کشف می شوند.

هر قدر که چنین انواعی از سوء استفاده، جلوه هایی از جرایم مبتنی بر کهنوت سنی خود را نمایان می سازد باز هم نمی توان به طور قاطع گفت که جرایم علیه سالمندان صرفاً بازتاب شاخص سنی آنان است تردیدی نیست که ضعف و وابستگی سالمندان شرایطی را فراهم می کند که در آن، بزه دیده واقع شدن آنان غیرقابل کنترل به نظر می رسد ولی سالمندی همواره تنها عامل ایجاد خطر بزه دیدگی نیست. بیشتر وقت ها سایر افراد نیز به همان اندازه سالمندان آماج جرایم قرار می گیرند. برای مثال زنان جوان بسیار بیشتر از زنان سالمند مورد آزار و اذیت در مکان های عمومی قرار می گیرند. بدین ترتیب، روابط سنی همواره با بزه دیدگی مرتبط نیست به طوری که گاه تمرکز افراطی بر سن به عنوان تنها عامل تبیین کننده بزه دیدگی سالمندان غیرمنطقی و گمراه کننده خواهد بود.<sup>۷</sup>

### ۳. پیامدهای بزه‌دیدگی در پرتو آسیب‌پذیری سالمندان

این ایده که جرمی مشابه، تأثیر بیشتری را بر سالمندان در مقایسه با افراد جوانتر می‌گذارد به طور ضمنی بیانگر این مطلب است که سالمندان در مواجهه شدن با پیامدها و عواقب زیانبار جسمی، روانی یا اجتماعی، اقتصادی ناشی از وقوع جرم، دارای توانایی کمتری هستند.<sup>۸</sup> به عبارت دیگر، توانایی بازسازی فرد سالمند با وضعیت قبل از وقوع جرم و اعاده وضع وی به حالت قبل از تجربه نمودن بزه‌دیدگی به سبب کهولت سن پایین‌تر است. بدین سان، آسیب‌پذیری سالمند در قبال جرم، آثار وخیم ناشی از جرم را به مراتب شدیدتر ساخته و امکان وفق پیدا کردن سالمند با پیامدهای زیانباری که به دنبال وقوع جرم متحمل گردیده است را کاهش می‌دهد. مفهوم آسیب‌پذیری سالمندان، تا حدودی مبتنی بر این فرض است که بزه‌دیدگی سالمندان نوعی آسیب‌پذیری مضاعف را برای آنان پدیدار می‌سازد به طوری که فرد سالمند توانایی کمتری را در خود برای سازگاری با عواقب بزه‌دیدگی و بهبود وضعیت ناشی از آن احساس می‌کند. مضافاً اینکه سالمندان از نظر وضعیت اقتصادی و اجتماعی در مقایسه با افراد جوان‌تر، از آسیب‌پذیری بیشتری رنج می‌برند. از این رویکرد اینگونه استدلال می‌شود که سالمندان از تمکن مالی کمتری برخوردارند و بنابراین هر چیزی که از سالمندان سرقت شود، تأثیر بیشتری بر آنان می‌گذارد. به علاوه سالمندان از نظر اجتماعی حالت طرد شده داشته و حاشیه‌نشین جامعه هستند چرا که عمدتاً جامعه از مشارکت‌دهی فعالانه سالمندان به گونه‌ای که آنان نیز بتوانند در فعالیتهای اجتماعی ایفای نقش نمایند، اکراه دارند. بدین سان، سالمندان از آنجا که فاقد شبکه‌های حمایتی در اجتماع هستند، پس از وقوع جرم فرایند بهبود وضعیت آنان دچار اطاله شده و از همه مهمتر اینکه احساس امنیت آنان در جامعه را نیز تا حد زیادی کاهش

می‌دهد. از دریچه این نوع نگرش نسبت به برهم کنش‌های سالمندی و بزه‌دیدگی، آسیب‌پذیری این طیف سنی صرفاً براساس تغییرات بیولوژیکی که به همراه سالمندی رخ می‌دهد، تبیین نمی‌شود، بلکه براساس جبریت اجتماعی و اقتصادی تبیین می‌شود. لذا عواملی که در بزه‌دیدگی سالمند ایفای نقش می‌کند همواره مرتبط با سالمندی نیست بلکه با دورهٔ بازنشستگی آنان که منجر به وابستگی اقتصادی و طرد اجتماعی هر چه بیشتر آنان در ساختار اجتماعی می‌شود نیز رابطه دارد.<sup>۹</sup> برخی از سالمندان مرفه امکان انتخاب مناطق امن‌تر را برای زندگی در دوران بازنشستگی دارند و به سبب تأمین مالی نیز، روش زندگی اجتماعی و دوران فراغت آنان به گونه‌ای است که باعث حاشیه‌نشینی اجتماعی و نقش انفعالی آنان نشده و محدودیتی را در نحوهٔ زندگی آنان ایجاد نمی‌کند. لذا میزان در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار گرفتن چنین سالمندانی به تناسب افزایش احساس امنیت و به همین منوال کاهش احساس ترس از جرم در آنان، تقلیل می‌یابد. بنابراین با تفکیک سالمندان از حیث وضعیت اجتماعی و اقتصادی، شاهد افزایش دوگانگی در سبک زندگی سالمندان خواهیم بود که در میزان آسیب‌پذیری آنان در قبال جرم تأثیر بسزایی می‌گذارد. لذا در این رویکرد به نحوهٔ آسیب‌پذیری سالمندان در برابر وقوع جرم به موازات مؤلفهٔ سنی می‌توان بر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی زندگی سالمند نیز تمرکز نمود. پژوهش‌های بزه‌دیده‌شناختی نشان می‌دهد که موج‌های شوک ناشی از بزه‌دیدگی به ویژه در طیف آسیب‌پذیر بزه‌دیدگان سالمند نه تنها به خود آنان بلکه به خانواده و خویشان درجه یک، همسایگان و آشنایان آنان نیز آسیب می‌رساند. و این مسئله در مورد پیامدهای عاطفی و مالی نیز درست است.<sup>۱۰</sup>

نگاه به میزان آسیب‌پذیری سالمندان نسبت به بزه‌دیده واقع شدن از زاویهٔ

آسیب‌پذیری فرهنگی آنان نیز می‌تواند در تشریح این مطلب راهگشا باشد. بدین توضیح که از جمله عواملی که همه سالمدان به صورت مشترک از آن تأثیر می‌پذیرند این است که آنان در طی زندگیشان شاهد تغییرات کلی در وقوع جرایم در سطح جامعه هستند. همه آنان شاهد رشد سریع در نرخ جرایم بوده و تجربه آنان این است که در مقایسه با امروز، در گذشته جرم چیزی کمتر از یک معضل بوده است در حالیکه امروزه آنها با مفهومی به نام بحران جرم مواجه شده‌اند. از این رو، سالمندان احساس می‌کنند در مقایسه با امروز، در گذشته به جوامع امن‌تر و منسجم‌تری تعلق داشته‌اند.<sup>۱۱</sup> سالمندانی که همراه با نرخ پایین‌تری از جرم، زندگی خود را سپری کرده‌اند به احتمال بیشتر با دیدی واقع‌بینانه به خطر وقوع جرم می‌نگرند و کمتر اجازه می‌دهند که خطر بزه‌دیدگی زندگیشان را محدود کند و بنابراین ترس از جرم در آنان کمتر از جوانان است.

#### ۴. تشدید مؤلفه‌های ترس از جرم در سالمندان؛ از فرضیه تا واقعیت

در سال‌های اخیر شاهد تغییر در دیدگاه سنتی و پذیرفته شده در مورد سالمندان و ترس از جرم بوده‌ایم. ایده مرسوم گذشته این بود که سالمندان گروهی هستند که میزان احساس ترس از جرم در آنان بسیار بالاست ولی کمتر در معرض خطر بزه‌دیدگی هستند. نکته مهمی که از پژوهش‌های انجام شده درباره بزه‌دیدگی سالمندان می‌توان به دست آورد این است که میان بزه‌دیدگی واقعی و ترس از بزه‌دیدگی از نظر روانی تفاوت چندانی وجود ندارد. از دیدگاه بزه دیده شناسی این باور وجود دارد که سالمندان بویژه در مورد خشونت‌هایی که تجربه می‌کنند نقشی ندارند.<sup>۱۲</sup> اما امروزه می‌توان گفت سالمندان در مقایسه با افراد جوانتر لزوماً ترس بیشتری از جرم ندارند چرا که در بسیاری از موقعیت‌ها و مناسبات اجتماعی،

مؤلفه‌های مخاطره‌آمیزی که ممکن است فرد سالمند را در معرض خطر وقوع جرم قرار دهد بسیار کمتر از وضعیت‌هایی است که عمدتاً افراد جوان را با خطر بزه‌دیده واقع شدن مواجه می‌سازد. تحقیق میدانی جرم در انگلستان نشان داد که زنان و مردان سالمند در مقایسه با افراد جوانتر در بیشتر جرائم نگرانی و ترس کمتری دارند. در پرسشنامه‌ای که در سال ۱۹۹۸ در این تحقیق میدانی در انگلستان طرح شد، صرفاً هشت درصد از مجموع نمونه آماری بیان داشتند که ترس از جرم تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی آنان داشته است. سالمندان به میزان کمتری با تأثیر منفی ترس از جرم بر کیفیت زندگیشان موافق بودند (ده درصد)، اما مستأجران منازل (چهارده درصد) معلولین (پانزده درصد) و افراد دارای درآمد پایین (شانزده درصد)، در مقایسه با سالمندان، با وجود چنین تأثیری موافق بودند. همچنین در بین خود سالمندان به حسب تفکیک جنسیت، زنان سالمندی که در مناطق درون شهری زندگی می‌کردند در بین کل نمونه آماری، بیشترین افرادی بودند که بیان می‌داشتند به دلیل ترس از جرم از منزل خارج نمی‌شوند.



جدول ۴-۲- ترس از جرم در بین گروه‌های سنی مختلف

نگرانی شدید (به درصد)				احساس ناامنی شدید (به درصد)
مردان	ورود غیر مجاز به - منازل و اماکن به قصد ارتکاب جرم	ایراد ضرب و جرح جسمی	سرقت از اتومبیل*	امنیت در خیابان
مردان				
۱۶-۲۹	۱۶	۹	۲۶	۲
۳۰-۵۹	۱۵	۸	۱۸	۲
+۶۰	۱۴	۶	۱۲	۶
زنان				
۱۶-۲۹	۲۴	۳۱	۲۱	۱۵
۳۰-۵۹	۲۳	۲۷	۱۵	۱۳
+۶۰	۲۴	۲۴	۱۴	۳۱
همه	۱۹	۱۸	۱۷	۱۱

\* تنها در مورد مالکان اتومبیل / مأخذ: تحقیق میدانی جرم در انگلستان ۱۹۹۸

جدول ۴-۲ در پرتو داده‌های تحقیق میدانی جرم در انگلستان - هر چند تا حدودی متناقض - نشان داد که اصولاً احتمال بیشتری وجود دارد که سالمندان بیان کنند که تنها بیرون ماندن از منزل بعد از تاریکی هوا، باعث بوجود آمدن احساس ناامنی در آنان می‌شود. در این مورد زنان سالمند سه برابر زنان جوان و مردان سالمند دو برابر مردان جوان دارای این احساس ترس از جرم بودند.<sup>۱۳</sup> از

آنجا که در هر حال احتمال کمتری وجود دارد که سالمندان پس از تاریکی هوا تنها در بیرون از منزل باشند، مقایسه آنان از این لحاظ با جوانان دشوار است، احساس ترس و ناامنی در سالمندان قبل از آنکه ناشی از توجه آنان به ناکارآمدهای نظام عدالت کیفری و قصور آن در تدارک تمهیدات و سازوکارهای پیشگیرانه لازم جهت حمایت از سالمندان در قبال وقوع جرم علیه آنان باشد ناشی از تجربه دست اول سالمندان از گسست در شبکه‌های اجتماعی در جوامع فعلی و تزلزل شبکه‌های حمایتی در جامعه امروزی، از دست دادن شأن اجتماعی که در گذشته به مراتب بیش از امروز دارا بودند، از دست دادن فرصتهای اقتصادی با فرا رسیدن دوره بازنشستگی و به تبع آن وابستگی مالی بیشتر به اطرافیان و به محاق رفتن هویت‌های فرهنگی که در گذشته فرد سالمند آنها را تجربه کرده بود، می‌باشد. لذا خاستگاه واکنش‌های مربوط به احساس آسیب‌پذیری در قبال جرم در بستر تجربه‌های شخصی سالمندان در زندگی روزمره و سبک زندگی آنان نهفته است. البته از سوی دیگر داشتن تجربه زندگی طولانی‌تر و مواجه شدن با مشکلات گوناگون در طول زندگی به موازات تجربه جمعی از جرم که سالمند در اثنای زندگی از آن برخوردار شده ممکن است نگرانی‌ها و احساس ترس در مورد بزه‌دیده واقع شدن را در وی واقع‌بینانه‌تر کند. نقل قول‌هایی که در ذیل می‌آید برگرفته از مصاحبه‌های انجام شده به هنگام ارائه پرسشنامه‌ها در تحقیق میدانی جرم در انگلستان است که نشان‌دهنده ارتباطات مثبت‌تری بین سالمندی و بزه‌دیدگی است.

پرسشگر: هنگام وقوع جرم شما در مورد چه چیزهایی نگران می‌شوید؟

جورج: من نمی‌خواهم بگویم که اصلاً در مورد جرم نگران نمی‌شوم اما منظورم این است که همواره احتمال وقوع جرم برای هر کسی وجود دارد و این فقط

منحصر به من نیست.

پرسشگر: فکر می‌کنید چه ویژگی در شما باعث می‌شود که تا این اندازه ترس از جرم بر شما بی‌تأثیر باشد؟

جورج: من همواره در زندگی‌ام به سرنوشت معتقدم و هرگز از چیزی نمی‌ترسم. من فکر می‌کنم اگر قرار باشد اتفاقی رخ دهد، حتماً آن اتفاق می‌افتد و بگذارید با آن روبرو شویم.<sup>۱۴</sup>

ملاحظه می‌شود که گاهی تجربه زندگی برای سالمند نوعی احساس امنیت را به همراه می‌آورد و اینکه او چندان خود را در برابر خطر وقوع جرم بی‌دفاع و ضعیف احساس نمی‌کند و با توجه به گذشته زندگی خود احساس می‌کند که می‌تواند از خود مراقبت کند و لذا نیازی به نگران بودن نیست. لذا سیاستگذاران در زمینه کاهش بزه‌دیدگی و ترس از جرم در سالمندان باید در راستای اتخاذ تدابیر آموزشی باشد بویژه با جهت‌دهی به سمت اصلاح پیش فرض‌های نادرستی که ممکن است در ذهن سالمندان به صرف کهولت سن شکل گرفته باشد و منجر به افزایش احساس عدم امنیت و ترس از جرم در آنان شود.<sup>۱۵</sup>

همچنین تدابیر پیشگیرانه به طوریکه حمایت بیشتری در جامعه از سالمندان بعمل آید به آنان کمک خواهد کرد که احساس امنیت بیشتری داشته باشند. پیشگیری‌های وضعی یا محیط مدار از قبیل طرح‌های نگهداری و دیده‌بانی در محل‌های مسکونی که عمدتاً بازنشستگان و سالمندان در آنجا زندگی می‌کنند بویژه از طریق مشارکت‌دهی جوانان در طرح‌های امنیت اجتماعی برای سالمندان از رهگذر اتخاذ رویکردی بین نسلی و مشارکتی مفیدتر از تمرکز بر تنها یک گروه سنی خواهد بود.<sup>۱۶</sup> این شیوه‌ها باعث می‌شود تا گروه‌های سنی مختلف در کنار یکدیگر قرار بگیرند در حالیکه عدم مشارکت آنان و عدم برقراری تعامل

بین نسلی منجر به افزایش احساس ترس سالمندان از اینکه مورد اذیت و آزار از سوی جوانان قرار گیرند، خواهد شد. در اولویت قرار دادن سیاست‌های فقرزدایی در برنامه‌های دولت، آموزش همگانی در مورد نیازها و ویژگی‌های سالمندان، تحت پوشش قرار دادن تمام سالمندان بوسیله خدمات تأمین اجتماعی و پرداخت مستمری، کاهش خشونت خانوادگی و اجتماعی و غیره تأثیر بسزایی در کاهش بزه‌دیدگی سالمندان و بهبود وضعیت آنان دارد.<sup>۱۷</sup>

بدین سان، رویکرد مشارکت‌دهی در مقایسه با نگرشی که تنها ناظر به کاهش ترس از جرم است و حالت انفعالی دارد، مزیت بیشتری را به همراه خواهد داشت به طوریکه اعطای نقش به سالمندان و افراد جوان در مناطق دارای نرخ بالای جرم، علاوه بر ایجاد امنیت اجتماعی، ذهنیت‌های منفی کلیشه‌ای در سالمندان را که موجب نگرانی آنها از اینکه بزه‌دیده جرائم ارتكابی از سوی جوانان واقع شوند را کاهش داده و از طرد اجتماعی سالمندان و حاشیه‌نشینی آنان نیز جلوگیری بعمل می‌آورد.

#### نتیجه

سالمندی به عنوان حقیقتی زیست‌شناختی از رهگذر نگرشی میان رشته‌ای در تعامل با بزه‌دیده‌شناسی قرار گرفته و تلفیق و یافته‌های برگرفته از سالمندشناسی و جرم‌شناسی ما را به سمت تأکید بر ضرورت توجه به سالمندانی که در طول زندگی خود بزه‌دیدگی را تجربه می‌کنند، رهنمون می‌سازد. بدین سان، نادیده انگاشتن سالمندانی که آماج جرم قرار گرفته و متحمل آسیب‌های جسمانی، روانی، درد و رنج‌های عاطفی و ضرر و زیان اقتصادی گردیده‌اند این تالی فاسد را بدنبال خواهد داشت که بتدریج این طیف آسیب‌پذیر توانایی لازم را برای مقابله با

جرم و حتی سازگاری با شرایط پس از وقوع جرم از دست می‌دهد. بنابراین، حساس‌سازی بزه‌دیده شناسی حمایتی به گونه‌ای که آموزه‌های آن در پرتو اتخاذ راهکارهای متناسب با سالمندان، بتواند در تقلیل احساس ترس از جرم و همچنین کاهش پیامدهای سوء ناشی از بزه‌دیدگی که سالمندان متعاقب وقوع جرم با آنها مواجه می‌گردند، تأثیرگذار باشد از جمله استلزاماتی است که تعامل هر چه بیشتر مطالعات در حوزه سالمند شناسی را با رهیافتهای بزه‌دیده شناسی می‌طلبد. باری، شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد احساس عدم امنیت در سالمندان نیست به احتمال تجربه نمودن بزه‌دیدگی بویژه در اشکال آزار و اذیت‌ها و سوء استفاده‌ها و نیز رعایت شأن و کرامت انسانی آنان به ویژه در فرآیند عدالت کیفری و جبران خسارات وارده به آنان از رهگذر در اولویت قرار دادن توجه به نیازها و انتظارات خاص سالمندان بزه‌دیده می‌تواند در تدارک یک حمایت کیفری ویژه از آنان مثمرتر باشد. مضافاً اینکه سالمندان با ورود به مرحلهٔ بازنشستگی به نوعی کاهش درآمدی را در ادامهٔ زندگی خود تجربه می‌کنند که منجر به افزایش احساس ناامنی اقتصادی در آنان می‌گردد. بدین سان سالمندی که بزه‌دیدهٔ یک جرم مالی قرار می‌گیرد به دلیل تشدید وضعیت آسیب‌پذیری وی به خصوص در بُعد مالی، به دشواری می‌تواند با تبعات زیانبار آن جرم خود را وفق دهد. لذا سازوکارهای حمایتی و تمهیدات مساعدتی تدارک دیده شده در بزه‌دیده شناسی با رعایت تناسب لازم با خصیصهٔ آسیب‌پذیری فرد سالمند در اعادهٔ وضع سابق وی تأثیری غیر قابل انکار خواهد داشت. بعلاوه، افزایش وابستگی سالمند به دیگران و نگرش منفی نسبت به سالمندان و طرد اجتماعی آنان از فعالیتهای اجتماعی، فرد سالمند را مستعد بزه‌دیده واقع شدن می‌سازد چرا که باید به حاشیه رانده شدن سالمند در جامعه، مؤلفه‌های ترس از جرم در وی افزایش پیدا کرده و متعاقب آن

احتمال بزه‌دیدگی نیز رو به فزونی می‌نهد. با از دست رفتن نقش اجتماعی سالمندان، احساس محرومیت در آنان و انزوای اجتماعی اجباری بیشتر شده و فرصتهای مشارکت‌دهی سالمندان افول پیدا می‌کند. تبعات منفی به محاق رفتن جایگاه اجتماعی سالمندان در نظام عدالت کیفری نیز نمود پیدا می‌کند به نحوی که میزان گزارش‌دهی جرائمی که علیه سالمندان ارتکاب یافته از سوی آنان کاهش می‌یابد و سالمند بزه‌دیده حتی تمایلی به اعلام جرمی که علیه وی واقع شده نیز از خود نشان نمی‌دهد. همچنین سالمندان همانگونه که در تحقیق میدانی در انگلستان نیز ملاحظه شد نسبت به طیف خاصی از جرائم، از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردار بوده و از احساس ترس از جرم بیشتری نیز در رنج هستند. از این رو، اگر بنا بر آن است که به واقع چاره‌ای برای سالمندانی که به سبب آسیب‌پذیری ناشی از کهولت سن آماج جرم قرار گرفته و زیانهای مشقت‌بار ناشی از بزه‌دیدگی را متحمل می‌شوند، اندیشیده شود، باید بپذیریم که رسیدن به این مهم جز از رهگذر یک تعامل میان رشته‌ای بین آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی و سالمندشناسی میسر نخواهد بود. به نظر می‌رسد وقت آن رسیده است که این حقیقت که سالمندان به سبب آسیب‌پذیری‌شان شایسته‌ی حمایت‌های ویژه بویژه در ابعاد کیفری هستند را در پرتو پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی و مساعدتی متناسب با این طیف از اقشار جامعه به رسمیت بشناسیم.

## پی نوشت‌ها

- 1-Pain, Rachel, old age and victimization, in: victimization: Theory, Research and Policy, Palgrave, MacMillan, New York, 2003.
- 2-Griffiths, A, Grimes, R, and Roberts, G, In: The law and Elderly People, Rutledge, London, 2004.
- ۳- صبوری پور، مهدی، سالمند آزاری و قانون، بررسی جنبه‌های حقوقی سالمند آزاری در انگلستان، مجله حقوقی دادگستری (ویژه نامه بزه‌دیده شناسی)، ۱۳۸۴، شماره ۵۲، ۵۳، ص ۳۹۸.
- 4-Social harassment
- ۵- شجری، مریلا، سالمندی و چالش‌های آن، چاپ نخست، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی ایران، ۱۳۷۸.
- 6 -sengstock, M.C, Barrett, S, Elderly victims of family abuse, neglect and maltreatment: can legal assistance help? Journal of Gerontological social work, 1986.
- 7- Spencer, C. and Beaulieu, abuse and neglect of older adults in institution settings, a discussion paper Building from English Language sources, Ottawa, on: Health Canada, 2003.
- 8- Beaulieu, M; and Balanger, L, Intervention in long Term cares institutions with respect to Elder mistreatment, In: Mj. Maclean (Ed), Toronto, on: Thompson Educational Publishing, 1995.
- 9- Philipson, C; abuse of older people: sociological perspectives; P. Decalmer and F. Glendenning (Eds), the mistreatment of Elderly people, London, England, sage Publication, 1993.
- ۱۰- شایان، علی، عدالت برای بزه دیدگان، چاپ نخست، تهران، نشر سلسبیل؛ ۱۳۸۴، صص ۱۵-۱۴.
- ۱۱- نوابی نژاد، شکوه، روان‌شناختی سالمندان و روش‌های ارتقاء سلامت روانی آنان، چاپ نخست، تهران، انتشارات گروه بانوان نیکوکار، ۱۳۷۹، ص ۲.
- ۱۲- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، چاپ نخست، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۴، ص ۳۵.
- 13- Tomlin, S, abuse of Elderly people: An unnecessary and prevention problem, London, British Geriatrics society, 1989.
- 14- Mc Donald, abuse and Neglect of Elders, In: J.E. Birren (Ed), Encyclopedia of Gerontology: age, aging and the aged, volume 1, San Diego, Academic press. 1990.
- 15- Kevin, s, Tilney, s, vulnerable adult and witnesses, oxford university press, 2007, pp. 144-147.
- ۱۶- دوبروار، سیمون، کهنسالی، ترجمه محمد علی طوسی، جلد اول و دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات شباویز، ۱۳۷۴، ص ۴۴۳.
- ۱۷- زندگی، فاطمه، در آمدی به جنبه‌های گوناگون سالمند آزاری، مجله حقوقی دادگستری (ویژه نامه بزه‌دیده شناسی)، ۱۳۸۴، شماره ۵۲ و ۵۳، صص ۲۷۷-۲۷۶.

## فهرست منابع

- صبوری پور، مهدی، سالمند آزاری در قانون، بررسی جنبه‌های حقوقی سالمند آزاری در انگلستان، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۴، شماره ۵۲، ۵۳، ص ۳۹۸.
- شجری، مریلا، سالمندی و چالش های آن، چاپ نخست، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی ایران، ۱۳۷۸، ص ۴۰.
- نوابی نژاد، شکوه، روان شناختی سالمندان و روش های ارتقاء سلامت روانی آنان، چاپ نخست، تهران، انتشارات گروه بانوان نیکوکار، ۱۳۷۹، ص ۲.
- شایان، علی، عدالت برای بزه دیدگان، چاپ نخست، تهران، نشر سلسبیل؛ ۱۳۸۴، صص ۱۵-۱۴.
- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، چاپ نخست، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۴، ص ۳۵.
- دوبوار، سیمون، کهنسالی، ترجمه محمد علی طوسی، جلد اول و دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات شباویز، ۱۳۷۴، ص ۴۴۳.
- زندگی، فاطمه، در آمدی به جنبه های گوناگون سالمند آزاری، مجله حقوقی دادگستری (ویژه نامه بزه دیده شناسی)، ۱۳۸۴، شماره ۵۲ و ۵۳، صص ۲۷۷-۲۷۶.

- Pain, Rachel, old age and victimization, in: vitimization: Theory, Research and Policy, Palgrave, macmillan, NewYork, 2003.
- Griffiths, A, Grimes, R, and Roberts, G, In: The law and Elderly People, Routledge, London, 2004.
- sengstock, M.C, Barrett, S, Elderly victims of family abuse, neglect and maltreatment: can legal assistance help? Journal of Grontological social work, 1986.
- Spencer, C. and Beaulieu, abuse and neglect of older adults in institution settings, a discussion paper Building from English Language sources, ottawa, on: Health canada, 2003.
- Beaulieu, M; and Balanger, L, Intervention inlong Term cares institutions with respect to Elder mistreatment, In: Mj. Maclean(Ed), Toronto, on: Thompson Educational Publishing, 1995.
- Philipson, C; abuse of older people: sociological perspectives; P. Decalmer and F. Glendenning (Eds), the mistreatment of Elderly people, London, England, sage Publication, 1993.
- Tomlin, S, abuse of Elderly people: An unnecessary and prevention problem, London, British Geriatrics society, 1989.
- Mc Donald, abuse and Neglect of Elders, In: J.E. Birren(Ed), Encyclopedia of Gernotology: age, aging and the aged, volume 1, san Diego, Academic press. 1990.
- Kevin, s, Tilney, s, vulnerable adult and witnesses , oxford university press , 2007 , pp.144-147.

## یادداشت شناسه مؤلف

- امیر سماواتی پیروز؛ دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی از دانشگاه شهید بهشتی، رییس کتابخانه کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی  
a\_samavati\_p@yahoo.com